

ارزیابی نتایج آموزشی و تأثیرات اجتماعی مکاتب محلی در افغانستان (ALSE)  
 چکیده تحقیقاتی شماره 5: سهم گیری جامعه و تداوم آموزش روستایی در افغانستان

پروژه از پروفسور دانا بردی (پوهنتون نیویارک)، جوئل میدلتون (پوهنتون برکلی) و سیروس سامی (پوهنتون

نیویارک) چکیده تحقیقاتی \*\* سال دوم \*\* شماره ۱ \*\* اپریل ۲۰۱۷

**پس منظر**

حکومت های متعدد با بلند بردن ظرفیت مردم قریه جات در پی تقویت نقش خویش منحصی ارائه دهنده خدمات است. در افغانستان، بدین منظور، خدمات که فعلا توسط انجوها ارائه میشود باید به سکتور دولتی داده شود، همزمان اهمیت محلی آن نیز حفظ شود. تسجیل مداخله موثر جامعه در ارائه خدمات تعلیمی مستلزم پالیسی های است که نقش ها و مسئولیت های آنان را به صورت واضح بیان کند. این چکیده تحقیقاتی و شماره بعدی آن روش های کنونی حکومت و جوامع را در ارائه خدمات با کیفیت تعلیمی مورد مطالعه قرار می دهد. با درک درست روابط، منابع و ظرفیت های موجود در ارتباط به سهم گیری جامعه در آموزش، پالیسی سازان قادر خواهند شد تا تعریف دقیق تر و حمایت بهتری از مدیریت جامعه در مکاتب عامه داشته باشند.

**روش ها**

یافته های زیر از دیتای کمی و کیفی بدست آمده است. نتیجه گیری ما بر اساس دیتای سروی مقدماتی جمع آوری شده از 4005 خانوار است که علاقمندی قریه های پروژه ALSE را نسبت به همکاری با تعلیم و تربیه نشان می دهد. در کنار آن ما از دیتای کیفی که با مصاحبه 147 نفر از مسئولین دولتی است نیز استفاده می گردد. مصاحبه های متذکره حاوی نظریات و دیدگاه های کارمندان آمریت ها و ریاست های معارف در باره مسایل گوناگون صنف های الحاقی در قریه ها است. بعد از کدگذاری استقرایی مصاحبه ها، تم های مهمی در رابطه به سهم گیری مردم قریه تبارز کرد که برخی های آن عبارتند از: (1) درک روابط کاری میان مردم قریه و ارائه دهندگان دولتی خدمات متذکره (2) انواع منابع تأمین شده از جانب مردم قریه برای صنف های الحاقی.

**یافته ها**

مسئولین دولتی برای ما از اهمیت ارتباط نیک با جوامع سخن گفتند. ولی آنها هم چنان از مشکلات و موانع بر سر راه این روابط یاد می کردند. به گونه مثال، 53 نفر از کارمندان آمریت های معارف (بیشتر از 70 فیصد کل مصاحبه شوندهگان) کمبود در تسهیلات ترانسپورتی را به عنوان یک چالش ذکر کردند. نبود منابع در نتیجه باعث کاهش دسترسی آنها به جوامع و قریه جات گردیده و منجر به بازدید بیشتر از صنف های محلی بعضی قریه ها نسبت به کلاس های قریه های دیگر گردیده است. در نتیجه، آنها با جوامعی که نزدیک مرکز ولسوالی ها بودند بیشتر تعامل دارند. به سخن دیگر، با وجود آن که کارمندان دولت اهمیت داشتن رابط نزدیک

با جوامع را درک می کنند، محدودیت امکانات، تعاملات آن ها را محدود کرده و آنها را از برآورده کردن هزینه های اساسی صنف های الحاقی باز می دارد. بنا بر این بعضی از پاسخ دهندگان دولتی اذعان کردند که آنها از جوامع می خواهند که

ما به آنها می گوئیم که حکومت توانایی لازم را ندارد، شما خود مسئولیت را به عهده بگیرید. حد اقل اطفال کوچک تانرا تا حد توان به مکاتب نزدیک بفرستید. اگر این کار ممکن نیست، شما خود معلم استخدام کنید. کتاب پیدا کنید. شما در قبال اطفال خویش مسئول اید. اکنون که دولت ناتوان است، شما پا پیش بگذارید... (کارمند آمریت معارف)

هزینه های تعلیمی را خود شان تمویل کنند.

علیرغم فقر موجوده، مردم قریه جات اما؛ علاقمندی واقعا زیادی از خود در ارتباط به سهم گیری در تعلیم و تربیه نشان می دهند. سروی مقدماتی ما نشان می دهد که 33 فیصد پاسخ دهندگان

علاقمند پرداخت پول برای معاش معلمین بودند. درصدی در مورد حمایت غیر نقدی مردم از مکتب ازین

با در نظر داشت اعتقادات دینی مردم ما، آنها تعلیم و تربیه را یکی از اصول اساسی زندگی شان میدانند مردم به تعلیم و تربیه بسیار علاقه مند اند، بسیار با اشتیاق اند. (کارمند آمریت معارف)

هم بالاتر میشود بطور مثال 46 درصد خانواده ها مشتاق بودند تا به معلمین شان کمک مواد غذایی کنند. البته این میزان نظر به ولایات مختلف فرق میکرد. (به جدول ذیل ببینید)

### جدول 1:

ولایات	در صدی و انحراف معیار خانواده های که مشتاق اند تا در معاش معلمین شان همکاری کنند. <sup>1</sup>	درصدی و انحراف معیار خانواده های که هایکه دوست داشتند برای حمایت مالی معلمین شان مواد غذایی کمک کنند.
کاپیسا	26% (SD = 0.156)	36% (SD = 0.163)
پروان	19% (SD = 0.118)	35% (SD = 0.118)
هرات	36% (SD = 0.321)	42% (SD = 0.185)
غور	47% (SD = 0.173)	53% (SD = 0.180)
بامیان	41% (SD = 0.153)	48% (SD = 0.109)
دایکندی	48% (SD = 0.171)	66% (SD = 0.120)
در مجموع	34% (SD = 0.205)	46% (SD = 0.186)

کارمندان دولتی در گفتگو با ما قصه های زیادی از همکاری و تعهد مردم نسبت به تعلیم و تربیه را بازگو کردند. مثلاً اینکه مردم قریه بخش از دارائی های شانرا فروخته بودند تا که بتوانند نیازهای تعلیمی شانرا بر آورده سازند یا در مناطق نا امن به کارمندان معارف و معلم جای امن فراهم کردند. البته جواب دهنده گان اینرا نیز گفتند که خانواده ها در واقع از نیازهای اساسی مثل غذای شان هزینه میکنند تا به معارف کمک کرده باشند. خلاصه اینکه اگر از خانواده ها خواسته شود تا به صنوف الحاقی شان کمک مالی کنند ممکن به آنها از نظر مالی سنگین تمام شده و آنها را دچار مشکل رفاهی سازد، از جانب دیگر تداوم صنف نیز اینگونه تضمین شده

<sup>1</sup> برای بدست آوردن این ارقام ما اوسط اشتیاق مردم را براساس قریه شان محاسبه کردیم. بعد ما اوسط قریه را براساس میانگین ولایت شان آنگونه که در جدول 1 نشان داده شده در نظر گرفتیم. میزان اشتیاق براساس پاسخ «بلی» و «نخیر» خانواده ها به این سوال بود: "کدام یکی از موارد ذیل را خانواده تان علاقه دارد تا برای حمایت مکتب قریه کمک شود؟ از شما خواسته نخواهد شد تا این موارد را کمک کنید ما فقط میخواهیم بدانیم که شما چی چیز را دوست دارید کمک شوید. آیا خانواده شما علاقه دارد تا مکتب قریه را a. پول برای معاش معلم کمک شود. b. چیزهای دیگری غیر از پول مثلاً مواد غذایی و ..."

نمی تواند. برخی از مصاحبه شونده گان ما گفتند که تخصیص اندک بودجه از جانب دولت به صنوف الحاقی بر نگاه مردم نسبت به تعلیم و تربیه اثر منفی گذاشته است. یکی از کارمندان آمریت معارف گفت: والدین شاگردان می گوید "هیچ سهولت نیست، کتاب در مکتب نیست، کتابچه نیست، معلمین ما خوب نیست، مکتب ما ساختمان ندارد، شاگردان ما هیچ چیزی را در آنجا نمی آموزند. شاگردان بجای اینکه آنجا بروند و چهارتا پنج ساعت را بدون هیچ نوع انجام کاری بشینند، بهتر است که کارگری کنند. آنگونه شاید بتوانند مقدار مواد غذایی خریداری کنند."

### پالیسی

مانند سائر نقاط جهان، مردم افغانستان نیز میخواهند تا در تعلیم اطفال شان نقش ایفاء کنند. دیتای ما نشان میدهد که مردم اداره و مدیریت مکاتب را تقویه مادی و معنوی میکنند. این مساعی بدون شک که بر کیفیت و فراگیر شدن تعلیم و تربیه در دهات افغانستان نقش دارد. دیتای ما اینرا نیز نشان میدهد که در برخی جاها کمک مردمی به جای اینکه ارائه خدمات دولتی را تقویه کنند، جاگزین آن شده است. علاوه، تعهد دولت برای کار با مردم بدلیل کمبود منابع متضرر شده است. این بار زیاد ممکن روی تقاضا برای تعلیم و تربیه و نگاه مردم نسبت به آن و ارزش آن تأثیر بگذارند. برای اینکه مشارکت مردمی در تعلیم و تربیه تأمین شود ما نقاط بعدی را پیشنهاد می نمائیم:

- 1) امکانات لازم برای آمریت و ریاست معارف داده شود تا بتوان از این طریق بار مالی که روی مردم گذاشته شده را کم کرد.
- 2) با تقویت ارزشهای اجتماعی و همکاری مالی میتوان مشارکت مردمی را بیشتر ساخت. مشارکت به معنای سهم گیری آنها در اداره مکتب و جذب تعهدات غیر مالی مردم.

### در شماره بعدی ALSE

در چکیده تحقیقاتی بعدی، ما دیتای را به بررسی می گیریم که ظرفیت مدیرتی اهالی قریه را نشاندهد تا بتوان شکل دوامدار تعلیمات را که توسط مردم مدیریت میشود را تشخیص داد.